

محي الدين تائب

۲۴ می ۲۰۰۹

## به بهانه آغاز دهمین سالروز نشراتی نشریه «آینده»

### ارگان مرکزی نهضت آینده افغانستان

ظلمت بر فضای کشور چیره گشت سقوط حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان ( حزب وطن) با دشنه های خونین توطئه از درون یک ساختار نا متجانس با امراض کودکانه و تبار منشانه آفریدگار یک سکوت وحشتناک در جنبش داد خواهانه در سرزمین افغان گردید. ارمان ها ، خواستها و امید های زحمتکشان افغان دچار سر خوردگی و گیج زده شدند. زمزمه ها همه جا بیانگر آن بود که مبارزات دادخواهانه در کشور بار دیگر با شکست مواجه گردید. مبارزان و رهروان جنبش چپ همچو گمشدگان تاریخ دنبال پاسخ ها بودند. سیطره اسلام سیاسی و تاجران دین و مذهب وحشت و ظلمت سده های میانه را در افغانستان حکمروا داشتند. زوال یک سازمان سیاسی پیشاهنگ در افغانستان با ادغام آن در تشکیلات دولتی با کسب نمودن هویت بیروکراتیک آغازیدن گرفت و در بهار ۱۹۹۲ با سقوط حاکمیت دولتی با تشتت و پراگندگی به پایه اکمال رسید. سالها پیکار یک نسل بالنده کشور تحت درفش ترقی، عدالت اجتماعی و دموکراسی به نفع اکثریت محروم و ستمدیده با شکست روبرو گردید.

مگر امید ها و باور ها ناپدید نگردید و نباید چنین میشد. باور ها به آینده " آینده " را پدید آورد. آینده پیام آور تجدید پیمان ها شد و درفش از سر گیری مبارزات داد خواهانه را بر افراشت، پایان سکوت مرگبار را در جنبش چپ افغانی اعلام کرد. و وظایف مسیر بخشیدن دوباره مبارزات دادخواهانه را با نوسازی جنبش چپ افغانی در پیش گرفت. کارهای نخستین را دریایی پاسخها به آنها پرسش ها که ذهن همگان را آزار میداد احتوا کرد.

تحلیل همه جانبه از سقوط حاکمیت حزب - دولت در افغانستان و فروپاشی تکیه گاه بین المللی اردوگاه سوسیالیزم بر اساس جامعه شناسی علمی از دستاورد های آغازین نشرات آینده بشمار میرود که طرف توجه عده زیادی قرار گرفته و یک ارزیابی علمی از فروپاشی سوسیالیزم دولتی و جنبش چپ در افغانستان پیش کش نمود.

نشریه آینده خدمات ارزشمند را در اشاعه طرح ریزی بنیاد اندیشه ای جنبش چپ با استفاده از اسلوب جهان بینی علمی و در تطابق با اوضاع ملی و بین المللی کنونی برای مبارزان راه زحمتکشان انجام داده و میدهد. مرامنامه نهضت آینده که در دومین کنفرانس آن به تصویب رسید به شیوه دموکراتیک برای بحث و نظر خواهی گذاشته شد تا اعضای نهضت و سایر اندیشمندان در زمینه ابراز عقیده کرده و نکات نظر خویشرا انعکاس دهند.

نشریه آینده در پخش وظایف نخستین نهضت که نوسازی اندیشه ای جنبش چپ افغانی بود رسالت تاریخی خودرا موفقانه انجام داد و بحیث تکیه گاه اندیشه ای راه زحمتکشان کشور مبدل گردید، و معیار اصولی و علمی را در برخورد با مسایل جاری و آینده روشن ساخت. مواضع سیاسی و اندیشه ای نهضت آینده افغانستان از همان آغاز روشن بیان شد که راه زحمتکشان را انتخاب کرده است. نشرات آینده با درک دقیق از پیچیده گی اوضاع سیاسی، اقتصادی و نظامی کنونی در کشور و در گیری جامعه جهانی در منطقه با درایت و دور اندیشی تلاش ورزیده است تا جنبش چپ را از حرکات ماجراجویانه و شعار گونه دور نگهداشته و پراتیک مبارزه در مسیر اصولی سمت دهد. درک علمی آینده از اینکه ساختار اجتماعی افغانستان در حوادث جنگ های سی ساله متلاشی شده و طیف های جدید ساختاری را اختیار کرده کمک نمود تا با دقت بیشتری در تحلیل ها پردازد و از برخورد میکانیکی میتود های کلاسیک الگو سازی احتراز کند.

وظایف کنونی و عاجل سیاسی را حضور سیاسی نیرو های چپ، مترقی، دموکراتیک و صلحخواه در صحنه سیاسی کشور تشکیل میدهد تا در یک اتحاد نیرومند بحیث یک الترناتیف در برابر تسلط نیرو های قرون اوسطائی پاسخگوی مطالبات و نیازمندی های اکثریت رنج دیده و تحت ستم مردم افغانستان باشد. نهضت آینده در دومین کنفرانس

سراسری خود دو سال قبل این موضوع را در صدر وظایف خویش قرار داده و برای نیل به آن پیگیرانه تلاش مینماید. از نظر ما تشکل یک سازمان واحد چپ از مبارزان باتجربه و صادق جنبش دیروزی و نسل جوان پیشرو فراتر از تعلقهای دیروزی سازمانی با چشم اندازه‌های نوین اندیشه‌یی، سیاسی و سازمانی در مطابقت با شرایط عینی و ذهنی کشور و همراه با مقتضیات پیشرونده دوران ما که در مسایل اساسی جنبش توافق مشترک دارند یک امر ممکن و ضروری پنداشته میشود. بی جهت نیست که ابتکار نهضت برای بر گذاری "مجمع نیروهای چپ، مترقی، دموکراتیک و صلحخواه افغانستان" مورد استقبال وطنپرستان صدیق قرار گرفت. کار های مقدماتی درین رابطه آغاز شده و امیدواری ها برای چنین تشکل موجب خشنودی طیف وسیعی از علاقمندان گردیده است. آرزومندی وجود دارد تا دوستان و مبارزان صدیق کشور بیش ازین بحیث تماشا گران نی بلکه سهم گیرندگان فعال این پروسه گردند.

سوال مطرح میگردد که چه موانع جدی میتواند در برابر وحدت نیرو های چپ و مترقی قرار داشته باشد تا با آنها مبارزه کرد. پاسخ به آن اندکی دشوار خواهد بود تا همه جوانب آنرا درک کرد زیرا در مسایل چون مرامنامه، اساسنامه، استراتیژی و تاکتیک تفاوت های بنیادی وجود ندارند و امکانات به تفاهم رسیدن از طریق بحث و مذاکرات در یک فضای سالم و دوستانه میسر است. اما یک سلسله پرابلم های وجود دارند که متأسفانه عده ئی با خود دارند ولی از ابراز صریح آنها در برابر همه احساس راحتی نمیکند و تلاش میگردد تا در لابلای مسایل نه چندان با اهمیت بحث های طولانی را براه بیاندازند. بنأ میخواهم با نکات چند تماس گیرم هدف از ین تماس برخورد کاملاً صادقانه بوده و هیچ نوع سوئیت و یا تخریب نبوده بلکه هدف جلب توجه آنعده از دوستان و رفقا میباشد که در پیوند های عاطفی و روانی تنیده اند و نا خود آگاه پروسه وحدت جنبش چپ افغانی را با اتخاذ مواضع غیر ضروری به تعویق میاندازند. چنین مواضع غالباً از خود نگری، خود محوری، علایق شخصی و بلند پروازی های بیمورد نشئت نموده و زمینه های برخورد تنگ نظرانه به مسایل مبرم مبارزه به نفع زحمتکشان و ایجاد یک تشکل نیرومند جنبش چپ که یگانه راه نجات کشور از وضعیت وحشتناک کنونی میباشد، فراهم میدارد.

نشریه آینده در شماره اخیر خود "اعلامیه نهضت آینده افغانستان در مورد تجلیل از شخصیت های فقید جنبش دموکراتیک افغانستان" را به نشر رساند، اعلامیه یک تحلیل اصولی و متعادل از پیوند ما با گذشته مان ارائه نموده که مطالعه بار بار آنرا برای دوستانیکه بسیار عاطفی به مسایل جدی جنبش برخورد میکنند توصیه میدارم. همانطوریکه در اعلامیه یاد شده آمده است جنگ تحمیلی ارتجاع قرون اوسطائی و مبدل شدن سرزمین افغانستان در دوران حاکمیت ح د خ ا بمیدان نبرد دو قدرت جهانی مانع آن گردید تا تحولات بنیادی اقتصادی و اجتماعی عملی گردد. بازیگران افغانی در آنزمان منحیث مهره های کم تأثیر و حتی بی تأثیر نقش دیگری نداشتند که یک فاکتور مهم در سقوط حاکمیت شمرده میشود. در عین زمان باید معترف بود که ضعف رهبری سالم و موجودیت امراض گوناگون در ارگان های رهبری ح د خ ا (حزب وطن) بشمول رده های بالائی در آسیاب دشمن آب فرو ریخته و سقوط حاکمیت را ممکن ساختند. بحث کردن برای تبرئه کردن و یا محکوم ساختن این و آن در وضعیت کنونی بیهوده بوده و جز ضایع ساختن انرژی دوستان هیچگونه کمک برای حال و آینده مبارزات دادخواهانه نخواهد کرد. باید از تاریخ درس ها را آموخت و به نفع جنبش از آن استفاده سالم انجام داد. یکی ازین درس ها این است که حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن) یک حزب واحد و یکپارچه نبود دارای یک ترکیب نا متجانس سیاسی و موجودیت فرکسیون های متعدد که بطور دایم در تضعیف نمودن موقف اجتماعی حزب به توطئه ها علیه یکدیگر مبادرت میورزیدند، بود که متأسفانه از بدو تاسیس تا زوال آن رهبری قادر نشد تا بر آنها غلبه حاصل نماید و وحدت ارگانیک حزب را تأمین نماید.

ازین درس تاریخی جداً باید آموخت تا با صداقت کامل در ایجاد یک سازمان واحد و نیرومند چپ افغانی عاری از آن امراضیکه نتایج بس وحشتناک برای حزب و جامعه ببار آورد تلاش کرد سازمانی که تفاوت نظر ها را در فضای آزاد و دموکراتیک پذیرفته و بدون معامله گری ها بشکل اصولی و دموکراتیک با آن برخورد نماید.

نبوغ و توانمندی یک ناخدای کشتی را باید در آن سراغ کرد که چگونه کشتی و سرنشینان تحت فرمان خود را از توفان های خطرناک و خشماگین و ویرانگر به ساحل

نجات سالم برساند. اما در مورد ح د خ ا نتایج نهائی با شواهد روشن تاریخی معلوم است. اگر از ذهنی گرائی فاصله گرفته بصورت عینی با قضایا برخورد صورت گیرد مشکل رفع میگردد

باید به بخاطر داشت که همزمان با افغانستان کشور های انگولا در افریقا، کمبودیا در جنوب شرق آسیا و نیکاراگوا در امریکای جنوبی در گیر جنگ های تحمیلی مشابه بودند آنها بازنده ها نی بلکه هم اکنون در اداره کشور های شان نقش رهبری کننده دارند.

و اما ما تاکنون قادر نشده ایم تا اکثریت بازماندگان جنبش چپ دیروزی را بدور یک سازمان متشکل سازیم.

رفقا دوستان و مبارزان صدیق کشور !

فاجعه ای که در افغانستان رخ داده است جهان بشریت با احساس را به گریه آورده است و بحال وطن تو، یتیم تو، بیوه زن تو ، دهقان و کارگر تو و معلم و کارمند تو که زیر سیطره جلادان و آدمکشان زجر و شکنجه می بینند اشک میریزد . و تو ای همرمز به مسئولیت تاریخی خود بیاندیش به مجمع نیرو های چپ، مترقی، دموکراتیک و صلحخواه بپیوند، جنبش نیرو مند چپ یگانه پاسخگوی نیازمندی های زحمتکشان را متشکل بساز تا در صحنه سیاسی افغانستان کنونی نقش تاریخی خویشرا را بسر رساند.

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)